

شرق

روزنامه

اجرای نمایش مفهومی در خیابان‌های اهواز با هدف فرهنگ‌سازی و آموزش مقابله با ویروس کرونا. عکس: موسی موسوی، آنا



تجربه

یک ابتکار ایرانی در بوردوی فرانسه

سام پور مهدی



❧ چه شد که چنین ایده‌ای به سرتان زد؟

از چند مدت قبل به این می‌اندیشیدم که در برابر این همه افسردگی و ملالتی که کرونا برای ما ایجاد کرده و همه ما را از هم دور کرده و به‌خصوص رستوران‌ها را عملاً به تعطیلی کشانده، چه کاری از دست ما ساخته است؟ مردم البته به ما لطف داشتند و دارند و حتی برخی از آنها می‌خواستند در این شرایط بد که دچارش شده بودیم، با خرید از ما به صورت بیرون‌بر، به گونه‌ای از ما حمایت کنند اما ما و من در فکر این بودیم که چه می‌توانستیم برایشان انجام دهیم؟ بنابراین به فکر رسید که می‌توان در این اوضاع و احوال لبخندی را به گونه‌ای متفاوت بر لبانشان نشاناد.

❧ **آنگونه که شنیدیم رستوران‌های شما متفاوت با رستوران‌های معمولی است؟ چرا؟**

شاید بازگردد به ایده‌هایی که من در زمینه‌های مختلف کاری در ذهن دارم، برای نمونه یک رستورانی را

سالیان قبل خریده بودم که فرانسوا میتران در خاطراتش آورد. نام این رستوران «دوبرن» بود که بسیار در فرانسه معروف است. پدرش به او گفته بود: اگر در امتحان دیپلم پذیرفته نشود، او را به آن رستوران خواهد برد و با هم غذایی خواهند خورد. آن رستوران را من خریدم و تا ۱۳ سال قبل هم دست من بود که بعد فروختمش. من در رستوران‌های خودم میهمانی‌های بزرگی دادم، برخی از بزرگ‌ترین چهره‌های سیاسی و فرهنگی و ادبی فرانسه و حتی سیاست‌مداران اروپایی در رستوران من حضور می‌یافتند و غذا-صرف می‌کردند اما هیچ‌گاه به اندازه شامگاه ۲۴ دسامبر خوشحال نشدم. برایم روزی ویژه بود که سبب شد تا لبخند شوق و شور و اشک شادی را در مشتریانم ببینم.

❧ از بازخوردهای تصمیم بگوید.

از زمانی که خبر این اتفاق به بیرون درز کرد و به‌خصوص وقتی مشتریانم از این موضوع مطلع شدند، بارها و بارها تماس گرفتند و تشکر کردند و نه‌تنها تشکر، بلکه می‌گفتند این حرکت شما باعث شده که بخواهیم به شما کمکي بکنیم. چون می‌دانیم که بیشه و شغل شما بسیار در این ایام آسیب دید. من اما به همه آنها گفتم لبخند رضایتی که بر لبان شما نقش بست، بهترین پاداش من است و خواهد بود و واقعاً از این کارم خوشنودم و امیدوارم که این بیماری رخت بر بندد و ما همه بتوانیم مانند سابق از بودن با هم لذت ببریم.

دور دنیا

آتش‌بازی پر حاشیه

گویا ترد آنسال در پایتخت‌های اروپایی برای جشن سال نو، استفاده از پهپادهای نورانی و ترسیم تصاویر بدیع در آسمان بود. جشن شب سال نو در آسمان ایسلند و همراه با شفق قطبی مراسم شب سال نو در لندن بسیار پر حاشیه شد و ویدئوهای آن در شبکه‌های اجتماعی وایرال شد. مسئله‌ای که البته فراتر از یک مراسم جشن شد و به حواشی سیاسی در این کشور هم دامن زد. در آتش‌بازی و نورافشانی شب سال نو میلادی در لندن، صدها پهپاد، پیام‌هایی درباره رویدادهای سال گذشته، بیشتر درباره شیوع کرونا، حمایت از پزشکان و پرستاران و امید به سالی بهتر را نمایش دادند. تنها پیامی که در این میان سیاسی پنداشته شد و واکنش گسترده‌ای در پی داشت، حمایت از جنبش «جان سیاهان مهم است» و نمایش چند مشت گره‌کرده به نشانه همبستگی برای مبارزه ضد نژادپرستی بود. در حالی که حمایت فراوانی در شبکه‌های اجتماعی از این اعلام همبستگی ابراز شده، برخی رسانه‌ها مانند وب‌سایت دو روزنامه دیلی میل و اکسپرس نوشته‌اند استفاده از شب سال نو و آتش‌بازی آغاز سال برای نمایش یک پیام سیاسی، صدای خیلی‌ها را در آورده است. روزنامه اکسپرس ادعا کرده که بسیاری از بینندگان بی‌بی‌سی پس از مشاهده مشت‌های گره‌کرده در حمایت از جنبش «جان سیاهان مهم است»، تلویزیون‌های خود را خاموش کرده‌اند؛ اما صدق خان، شهردار لندن، از این کار دفاع کرد و پس از پایان مراسم، با هشتک «جان سیاهان مهم است» در توئیتر نوشت: «نمایش شب سال نو، پیام روشنی به جهان داشت: لندن علیه نژادپرستی متحد است؛ امشب و همیشه». این تها «جان سیاهان مهم است»، نبود که حاشیه‌ساز شد، آن هم در روزهایی که انگلیسی‌ها منتظر اجراشدن برگزیت و جدایی قطعی از اتحادیه اروپا بودند. اینجاست که بخش دیگری از نمایش هم سیاسی پنداشته شد. بسیاری نورپردازی یک پل معروف لندن با دورنگ آبی و زرد را الهام‌بخش پرچم اتحادیه اروپا دانستند. برخی سایت‌های خبری نوشته‌اند نمایش آن در شبی که بریتانیا رسماً از این اتحادیه خارج شد، باعث حیرت بسیاری شده است. صادق خان به این برداشت واکنش مستقیمی نشان نداد، اما در تویت دیگری، در کنار تکرار چند پیام «از لندن به جهان»، به استقبال پایتخت بریتانیا از شهروندان اتحادیه اروپا اشاره کرد. در همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، لندن با اختلاف به ماندن در اتحادیه رأی داد و شهردار این شهر هم هیچ‌گاه حمایت از اتحادیه اروپا را پنهان نکرده است.

بی‌تردید در یک مطالعه علمی، نتایج منفی -اگر نه بیشتر- حداقل به اندازه نتایج مثبت دارای اهمیت هستند.

نتیجه منفی یعنی اینکه مثلاً در مطالعه روی یک دارو یا یک ماده‌ای که اثرات درمانی دارد یک گروه تحقیقاتی بعد از زحمات و هزینه‌های فراوان نتایجی را اعلام کنند که معنای آن عدم تأثیر آن درمان بخصوص باشد. از آنجا که اساس تحقیقات برای اثبات اثربخشی یک درمان بخصوص صورت می‌گیرد یعنی ایسن تأثیر هنوز به اثبات نرسیده و امکان منفی‌بودن نتایج هم وجود دارد و فرض بر این است که گروه تحقیقاتی هم این موضوع را اعلام خواهند کرد. اما داستان به این سادگی‌ها نیست. موضوع به این سادگی هم نیست که گروهی عامدانه و از روی اراده و بر اساس منافع خود بخواهند نتایج را به صورت مثبت تفسیر کنند و با دورکردن افراد ناپاب تحقیق درستی انجام دهیم. مداحلاتی که ذهنیات و برداشت‌های افراد در تعیین نتیجه تحقیق به عمل می‌آورند، بسیار پیچیده‌تر از اینها هستند. به همین دلایل پیچیده و به دلیل تأثیر ناخودآگاه منافع و برداشت‌ها و زمینه‌های شخصیتی افراد بر نتایج مطالعات است که روند تحقیق هرچه پیچیده و پیچیده‌تر می‌شود و اظهارنظر براساس سطوح مختلف طب بر مبنای شاهد مستلزم استانداردهای متعددی است؛ باید گروه شاهد وجود داشته باشد که دارونمایی شبیه داروی اصلی دریافت کرده باشند. باید تعداد بیماری که دارو را مصرف می‌کنند بر اساس دانش آمار قابل قبول باشد. بیماران در گروه شاهد باید از نظر سن و جنس و شدت بیماری شبیه بیماران در گروه اصلی باشند. دارو و دارونما باید کاملاً شبیه یکدیگر باشند و هیچ‌کس نداند که کدام بیمار داروی واقعی و کدام بیمار داروی کاذب مصرف کرده است. به‌علاوه میزان بهبودی باید بر اساس یک مقیاس واحد استاندارد و شناخته‌شده صورت بگیرد و برای اطمینان بیشتر از نتیجه حاصله باید مطالعه در چند مرکز صورت بگیرد. همه این اقدامات تنها برای جلوگیری از تقلب و ساختن اطلاعات قلابی نیستند؛ نکته بسیار بسیار مهم‌تر اجتناب از تأثیر نظرات و دیدگاه‌هایی است که ممکن

آکادمی

نتیجه منفی

است برخی افراد یا گروه‌ها داشته باشند به‌خصوص در کار بالینی بسیاری از گروه‌های پزشکی در مواردی خاص به طور سنتی درمان‌هایی را انجام می‌دهند و به درمان‌هایی اعتقاد دارند که تاکنون به طور علمی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته‌اند و بسیاری از پزشکان در رویارویی با این روش‌ها نه‌تنها درباره آن تحقیق خاص بلکه درباره کاری که ده‌ها سال روی بیماران انجام داده‌اند به ده‌ها دستیار و فلو آموزش داده‌اند، باید قضاوت کنند. بی‌تردید چنین سابقه‌ای پیش‌فرضی عمیق در این گروه از پزشکان پدید می‌آورد که بسیاری از احتیاطات پیش‌گفته برای اجتناب از آنها طراحی شده‌اند و بالطبع این موضوع در میان افراد و گروه‌هایی که چنین سابقه آکادمیکی هم ندارند مثل شاغلان روش‌های سنتی ابعاد بسیار عظیمی پیدا می‌کند. از همین‌جاست که می‌توان ارزش والای نتیجه منفی در تحقیقات پزشکی را بازشناخت و قدر گذاشت. نتیجه منفی در بسیاری از موارد معنایی ندارد جز توان فرارویندن از گفتمان و افق دیدی که همه ما مبتلا به آن هستیم. نشانه بارزی است از علاقه‌مندی به حقیقت بیش از علاقه‌مندی به خود یا دیگری. فرارویندن از برده‌ای است که بسیاری از ما از خوف دریده‌شدن آن حتی توان اندیشیدن به آن را هم نداریم چه برسد به آنکه از تن درآورده، چشم‌ها را ببندیم و به محقق بسپاریم. نتایج منفی کاذب هم قطعاً وجود دارند یعنی دارویی مؤثر ممکن است در روند تحقیقات بی‌اثر از کار دربیاید اما از آنجا که عوامل بسیاری باعث نشاط از نتایج مثبت می‌شوند نتایج منفی کاذب در مقایسه عددی نیستند. تبلیغ عمومی در شروع یک تحقیق، ایجاد امیدواری عمومی به موضوعی که هیچ چیز بیش از یک تحقیقات پزشکی -با تمام مختصات پیش‌گفته- نیست، همه و همه عواملی است که بهای نتیجه منفی و اعلام آن را هرچه بیشتر و بیشتر بالا می‌برد و باعث می‌شود اعلام نتیجه منفی نیازمند توانایی‌های شخصیتی -رندی- بالاتری باشد. در عوض به جای تبلیغ در عرصه عمومی می‌توان چارچوب تحقیق و روش دوسر کورکردن مطالعه و استفاده از دارونما و تعداد زیاد و زمان طولانی اجرای تحقیق را نه برای عموم مردم بلکه برای جوامع علمی توضیح داد تا بتوانند به نتیجه مثبت احتمالی اطمینان کنند. در چنین مواردی تنها آن اطمینانی که از پایه‌های کارشناسی جامعه نشئت می‌گیرد و به عرصه عمومی سرازیر می‌شود باارزش و ماندگار است و به اعتمادی عمومی و تاریخی می‌انجامد.

دغدغه

جشن زباله جمع‌کنی

کامران فریدونی

کوشی با دوربین آورده بودند تا از انجام کار عکاسی کنند و البته در کمال تعجب با شوق تمام عکس یادگاری هم می‌گرفتند؛ در پایان کار از پچه‌ها خواستم تجربه خود را از انجام این کار بنویسند و به‌عنوان تکلیف کلاسی برای هفته بعد بیاورند. چکیده مطالب دانش‌آموزان از تجربه آن روز چنین است:

❑چقدر در نوشابه (قوطی)!
❑بیشتر مردم سیگار می‌کشند، این نشانه خوبی نیست.

❑این کار باعث شد علاوه بر خود به شهرمان نیز توجه کنیم. پچه‌ها بیش از آنچه فکر می‌کردم به پاکیزگی شهرمان توجه داشتند. بعد از جمع‌آوری زباله من دقت کردم که پچه‌ها زباله‌هایشان را در حیاط مدرسه یا کوچه و خیابان نمی‌ریختند.

❑از آن روز به بعد بیشتر به پاکیزگی شهر توجه دارم.
❑تجربه خوبی برابیم شد که هرچه می‌خورم آشغال آن را در جوی و پیاده‌رو نریزم.

نگاه کنید به رفکران که چگونه شب‌ها و صبح‌های زود، بدون اینکه مردم ببینند، زباله‌ها را جمع می‌کنند

بدون اینکه خسته شوند یا اینکه به آتیه‌ای که آشغال می‌ریزند پرخاش کنند و با دل‌گرمی و مهربانی آشغال‌ها را جمع می‌کنند.
❑کرم ما را می‌دیدند و می‌خندیدند و مسخره می‌کردند اما کسانی هم بودند که با گفتن خسته نباشی، کار ما را تشویق می‌کردند.

❑این کار اگر با اتحاد و هماهنگی انجام نمی‌شد امکان‌پذیر نبود.

❑همیشه سعی و تلاش در اولین قدم سخت است. چندین سال بعد وقتی می‌خواستیم برای بار دوم این کار را انجام دهیم انگار برخی دانش‌آموزان و خانواده‌ها به بر قبیای‌شان بر خورده بود، کسر‌شان‌شان شده بود و می‌گفتند این کار خدمه مدرسه است! دانش‌آموزان ژاپنی در پایان هر روز مدرسه خود را مرتب و پاک می‌کنند.
❑آنها میز و صندلی‌ها، راهرو، پله‌ها و سرویس بهداشتی مدرسه را هم‌پای معلم خود تمیز می‌کنند. پاکیزگی جزئی از برنامه روزانه مدرسه و در باقی زندگی‌شان بخشی جدانشدنی از رفتارهای اجتماعی‌شان است. بعضی وقت‌ها بد نیست به رفتار مردمان در دیگر کشورها نگاه کنیم و چیزهایی بیاموزیم. زندگی آموختنی است.



بابک زمانی
نورولوژیست

روایت

چلوکبابی و فست فود +۱۰



علی‌محمد بیدارمغز

از عنوان مطلب متعجب نشوید! تماس یک خانم گرفتار با پلیس ۱۱۰ شیراز که باتان هست؟ اگر نیست نگران نباشید، اصل ماجرا به نقل از «تابناک» از این قرار است:

«به دنبال تماس یک زن در شیراز با مرکز ۱۱۰ و طرح درخواست ارسال چلوکباب و نوشابه، به واسطه هوشیاری و دقت کاربر مرکز، موفق به دریافت کمک و خدمات مشاوره‌ای مأموران نظامی و پایان‌دادن به یک مشاخره خانوادگی با همسرش شد.

این شهروند در تماس با مرکز ۱۱۰ درخواست ارسال «یک دست چلوکباب با نوشابه» می‌کند؛ کاربر ابتدا پاسخ می‌دهد که با مرکز ۱۱۰ تماس گرفته است و در ادامه متوجه تلاش برای ایجاد پوشش امدادخواهی از سوی تماس‌گیرنده می‌شود. در این مکالمه، تماس‌گیرنده می‌گوید: سلام ببخشید بیرون‌بر، چلوکباب می‌خواهم با نوشابه. کاربر ۱۱۰ پاسخ می‌دهد: شما با ۱۱۰ تماس گرفته‌اید و چلوکباب می‌خواهید؟ تماس‌گیرنده می‌گوید: بله، بله از دیشب تا حالا غذا نخورده‌ام و بسیار گرسنم.

کاربر با درک موقعیت تماس‌گیرنده، اعلام می‌کند: آیا شما قادر به صحبت‌کردن نیستید و کسی کنارتان است؟ امدادخواه پاسخ می‌دهد که بله.

کاربر ۱۱۰ با گرفتن آدرس فرد امدادخواه، از او درباره تعداد افراد حاضر در محل و اینکه این افراد مسلح هستند یا خیر نیز سؤال کرده، درخواست می‌کند که با عدد و بله و خیر پاسخ دهد. با اعلام موضوع به کلانتری حوزه استحفاظی توسط مرکز ۱۱۰، اکیبی از مأموران به محل اعزام می‌شوند و در بررسی‌ها متوجه بروز اختلاف شدید خانوادگی بین تماس‌گیرنده و شوهرش می‌شوند.

خانم تماس‌گیرنده، به دلیل واهمه از شوهرش، به شیوه‌ای خاص با مرکز ۱۱۰ تماس گرفته و یاری طلبیده بود. عملکرد هوشمندانه و به‌موقع تماس‌گیرنده و البته هوشیاری و احساس مسئولیت کاربر ۱۱۰ منجر به جلوگیری از بروز مشکل جبران‌ناپذیر شد و قرار شد شهروندان در مواقع بروز مخاطرات و مشکلات، از طریق مرکز ۱۱۰ امدادخواهی خود را طرح کنند.»

اول آنکه «حاشیه‌نویس» که سال‌ها قبل با این عنوان، مطالب جدی! در جراید می‌نوشت، به پیشنهاد ظرفی دوباره دست به قلم شده است. دوم آنکه ماجرائی شبیه به این در یکی از شهرهای آمریکا اتفاق افتاده بود و خانم شیرازی که به مدد شبکه‌های اجتماعی آن را خوانده یا شنیده بود، برای راهیای از همسر خشن خود اینترفند را به کار گرفت.

سوم براساس گزارش‌های اصل، موضوع درخواست کمک منحصراً به شیراز نبوده است و این نوع درخواست کمک در سایر شهرهای ایران هم اتفاق افتاده بود که کاربران مرکز ۱۱۰ اقدام مشابه انجام داده بودند. اما خبر آن منتشر نشده است. مثلاً دو سال قبل در شهر بجرآم‌یاده زنی گرفتار به پلیس ۱۱۰ زنگ می‌زند و تقاضای پیتزا پیرونی می‌کند همراه با فلفل زیاد. کاربر می‌پرسد چقدر زیاد؟ خیلی زیاد. کاربر نیزهوش می‌پرسد مقصود شما اسپری فلفل است؟ بله، بله. و به این ترتیب پلیس با اسپری فلفل به کمک می‌رود و او را که اسیر یک درد بی‌وجان شده بود، نجات می‌دهد. در ماجرائی دیگر حاشیه‌نویس خبر شد که در شهر اهسورکلا» خانم گرفتار تقاضای چلوکباب کوئیدی می‌کند با یک پیاز بزرگ. کاربر با خنده می‌گوید خانم کباب کوئیده نصفش پیاز است شما می‌خواهید کباب کوئیده را با پیاز بخورید، مرغ پخته خنده‌اش می‌گیرد. خانم می‌گوید من پیاز خیلی دوست دارم و حتما یک چیزی بیاورید که آن را له کنم. کاربر می‌پرسد گوشت‌کوب خوب است، می‌شوند به یک چیز دیگر و پس از یکی، دو سؤال به پیشنهاد باطوم خوب است می‌گوید بله. پلیس می‌فهمد که او گرفتار است و با عملیات پیچیده و فنی همراه با کاربرد پیازخردکن! متجاوز را دستگیر می‌کنند. اخبار تأییدنشده حاییت آن دارد که کثرت رو به تزاید این اتفاقات که به دلیل خانه‌ماندگی کرونا به شدت افزایش یافته، باعث شده است پلیس ۱۱۰ یک واحد جدید در مراکز خود ایجاد کند با این عنوان: «چلوکباب و فست فود +۱۰».

از آنجا که متجاوزان و خاطیان هم کم‌کم به این نوع رفتنده‌ها آشنّا شده‌اند و همیشه یک گام از پلیس جلوتر هستند، مقرر شده است کاربران این واحد قرار است هرکدام یکی، دو هفته در چلوکبابی‌ها و فست‌فود و پیتزایی‌ها کارآموزی کنند تا بر اصطلاحات سفارش‌ها مسلط شوند که اگر به جز شخص گرفتار، خاطی و متجاوز هم مکالمات را گوش می‌کنند، بتوانند با هوشمندی عملیات نجات را بدون تلفات و مصدومیت انجام دهند. حال اگر یک موقع به پلیس ۱۱۰ زنگ زدید و از آن طرف یک نفر گفت: چلوکبابی و فست‌فود +۱۰ تعجب نکنید!

❖**توضیح: اسامی شهرها با هدف جلوگیری از سوءتفاهم غیرواقعی انتخاب شده است.**